

ابن سینا و رستاخیز

ترجمه رساله اضحویه : شیخ رئیس ابوعلی سینا
از مترجمی نامعلوم . با تصحیح و مقدمه و تعلیقات
حسین خدیوچم ، تهران ، بنیاد فرهنگ ایران ،
۱۳۵۰ . سی + ۱۳۶ ص .

« و اگر تأمل کنی بدانی که ظاهر زمینی آبادان همه
تن مردگان است که با خاک بوده است و از آن
کشتزار ساخته و زرع از آن برآمده و آن زرع
غذای مردم شده و ... » (ص ۲۷)

علم آموزند و « خیر حقیقی » را بشناسند ، لذا شریعت باید « تقریر کند
که نیک کردار را در آخرت ثواب است و بد کردار را عقوبت بوجهی که
مانند دیده و شنوده ایشان باشد و باری تعالی بخودی خود پاداش کار مردم
خواهد داد ، تا چون تصور کنند و بدانند ، شرع را قبول کنند و باید که
کارهای آخرت به مثالی بیان کند که ایشان آن را محال ندانند و بدان
رغبت نمایند » .

و این کوتاه بینی و کزاندیشی عوام از آنت که آنان را « سعادت
حقیقی » و « لذات روحانی » مفهوم نیست و عامه « گمان افکنده که
تن حقیقت وی است و ازین جهت هستی خویش فراموش شده است و آن
چیزی که بیرون از وی است می پندارد که وی آن است . و گمان برد که
خیری و شری و راحتی و لذتی که آن چیز راست خود وی راست . و پنداره
که چون ازین خیر و شر و لذت و راحت بدنی بازماند از خیر و شر و لذت
و راحت مطلقاً بازمانده است و گمان می برد که چون لذت جسمانی نیست
هیچ سعادت نیست و چون الم و رنج جسمانی نیست هیچ شقاوت و بدبختی
نیست » .

عوام در نهایتیکه همه لذتها نفسی است ، بلکه لذتی است که
حسی نیست و هیچ نزدیکی به لذت حسی ندارد و بدان قیاس توان کرد .
و نیز تعبیر رنجها حسی است .

و هم باید دانست که این برده پوشی شرع و این تمثیلات و تشبیهات
از روی غریب نیست ، و آن کسی که وی حکمت داند و نفس خویش از آن
پاک دارد که نشاید به انکار کردن چیزی که غرض آن چیز واضح نیست ، و
تأمل کردی در نهاد شریعت ، بدانند که بزرگترین علامتی بر صحت شریعت آن
است که بر این نهاد و این شکل آمده است . و بدانند که اگر شرع چنان آمدی که
حق را به صریح بیان کند است . و بدانند که آن بزرگترین علامتی بودی
و بعد از شریعت است .

خلاصه آنچه درین رساله آمده است ازین دست سخنهایست در اثبات
بازگشت نفسی ، فناء تن ، و رد سخن مخالفان و بالخصوص تناسخیان . و لایحظی
که این سخنها که ما بیان کردیم کسی را مفید است که خواهد از خاصی
مردم باشد که اوعام » .

تمامی رساله هفت گفتار است باینکه مقدمه . و شیخ رئیس آنرا از
برای کسی نوشته است بنام «الشیخ الامین» (ظاهرأ ابوبکر احمد بن محمد
برقی) که حقوق بسیار براو داشته است . و چون این رساله بروز عید
«اضحی» تصنیف شده و یاد آن روز برسم ارمغان عید اضحی هدیه داده شده
است ، «اضحویه» نام گرفته است . و ابن سینا اضحویه را بفریبی نوشته بوده
است چون بیشتر آثارش . و سپس کسی - که نامش بر ما پوشیده است -
در قرن هفتم (ظاهرأ) آنرا از تازی بیاری برگردانده است ، باثری روان
ورسا . و ترجمان خود مردی آگاه با اصطلاحات فلسفه بوده است و مفاهیم را
باستادی در قالب پارسی ریخته است . و بسیاری از اصطلاحات فلسفه را بیاری
آورده است ، آنچنان که ابن سینا و شاگردانش گرایش داشته اند با استعمال
واژهها و اصطلاحات فارسی . و برخی ازین اصطلاحات که در ترجمه
اضحویه آمده است همانهاست که بوعلی در آثار فارسیش بکار برده است
و در حوزه فلسفی او و بارانش برواج بوده است ، همچون :

قصه مرگ است ولیستی . و نه نیستی مطلق که هرگز نیست . مرگ
و دیگر شدن ، که رها کردن است و گسستن و هشتن ، کردها و بیوشدها و
نهادها را باهمه خوگرها و عشقها . و هر چند تلخ و وحشتناک است گاه چه
شیرین می نماید آن چنان که بهرجا می جویش ، در آب ، در آتش و در
هر چه عنصرست . و مهربان بدامانش می رویم ، و می بیوفیم به بیکران
نیستی . نیستی بی رنگ بی من و ما . و سپس چیست ؟ چه خواهد شد ؟ هست؟
نیست ؟ . نمی دانیم . می پنداریم هیچستانی است . هیچ می شویم و هیچ
و حتی هیچ هم نمی ماند . و یانه ، انوشه ایم و جاودانه جاویدان . و نه درم
خاکستر ماکه همراه نسیم برود نیستی نشسته است باز می کرده ، در قالب
« اویی » یا در خشت و گلی یا در شاخ گلی . و این روان بازمی آید ، باز
آمدن مسیح . و با چون کیوتری سپید بال می زند در هوای حیرت و هیچی .
و هم شاید که در زندان تن پر پرزند . و یانه همچو جفندی بر سر ویرانه بنشیند...
و ازین دست خیالات و سخنها بسیار بسیار .

وجه بسیار درین باره گفته اند و نوشته اند از صاحب نظر بعضی از
فیلسوفان تا شاعران و نویسندگان . هر يك بگونه بی گروهی با پای چوبین
استدلال بدین میدان در آمدند ، و جمعی به « جبل متین » دین دست باز کردند .
و بعضی در آمیختند این هر دو را بهم ، و باره بی بسخره یاد کردند از آن گفته ها
نوشته ها ، و قومی لب فرو بستند از حیرت . و راست آنست که کس ندانست
که سرمزل مقصود کجاست .

و شیخ رئیس بوعلی سینا رساله بی پرداخته است در امر « معاد »
و چند و چون آن بر طریق فیلسوفان ، که معاد خود چیست و شرح «مقالات»
و آراء مختلف و رد تناسخیان و نفی معاد جسمانی شیخ درین رساله
ظاهر سخن ارباب شریعت را رد می کند و آنها را تمثیلی می داند و می گوید
این همه را « برای آن گفته اند که عوام از بدکرداری منجر شوند » .
و آنچه درباره آفریننده گفته شده است . و آنچه درباره معاد ، همه ظواهر
است و گاه « تشبیه » و « تمثیل » . زیرا « اگر عوام مردم را دعوت
کنند بخیر و عدل حقیقی که مردم راست ، ایشان را دعوت کرده باشند
به چیزی که خلاف نهاد و طبع ایشان است ، بلکه ضد حرکات حیوانی است
که بر نفس ناطقه انسان مستولی است » .
و چون دعوت عوام به خیر حقیقی ممکن نیست ، فهم و دریافت
« نهاد شریعت » فقط کسانی را حاصل است که نفس را ریاضت دهند و

موارد «به» را منفصلاً نوشته‌اند مانند: «وازوی هیچ‌نماند که این‌گوهر دوم در آن باوی به‌انبار باشد» (ص ۳۶) که «بانبازبودن» ترکیبی است مانند «باصصل شدن» و «باززانی داشتن» و حکماً باید متصل نوشت. و نیز واژه «بعینه» (ص ۲۸، ۴۷، ۳۷).

در ص ۹۳ س ۱۱ «وهم‌به‌آن علت‌که با بدن اول پیوند گرفت با این نیز پیوندی گیره بلی ممتنع است که این پیوند هم بر آن وجه پیوند بود که پیوند اول بود از جهت آن علتها که پیش ازین یاد کردیم». ظاهراً کلمه «بلی» غلط است و باید «ولی» باشد.

ص ۴۲ س ۱۷: «به‌مثل اگر قوت عصبی بروی غالب بود چون بازآید به‌کالبد شیری [است] و اگر شهوت غالب بود به‌کالبد خوکی آید...» کلمه «است» را مصحح افزوده‌اند بقرینه متن عربی. و اگر بجای آن «آید» می‌افزودند بهتر و مناسبتر می‌نمود بقرینه عبارات بعدی. باین همه اضمحویه متنی است ارجمند و پرفایده و زحمات آقای خدیوچم و مساعی بنیاد فرهنگ در احیای چنین اثری مشکور است.

احمد طاهری عراقی

فروردین ۵۹

بسیاری (ص ۴۷): کثرت
بهره پذیرفتن (ص ۳۷): قابلیت تقسیم
پذیرا (ص ۷۷): قابل
تباهی (ص ۷۷): فساد (مقابل کون)
جنبش (ص ۴۰): حرکت
چندی (ص ۱۶): کم
چگونگی (ص ۱۶): کیفیت
دیدار (ص ۳۰): رؤیت
دریافت (ص ۶۲): انراک
کجایی (ص ۱۶): این
کیی (ص ۱۶): متی
مایه (ص ۷۷): ماده
نهاد (ص ۲۰): وضع
هست شدن (ص ۳۸): موجود شدن

بیشترینه این اصطلاحات در دانشنامه علایی و رنگ‌شناسی این‌سینابکار رفته است و (رجوع شود بمقاله مرحوم دکتر معین در مقدمه لغت‌نامه ص ۶۳ - ۸۶).

متن فارسی اضمحویه گذشته از فلسفه از نظر متن‌شناسی نیز سخت ارجمند است. و دریغ بود که این اثر گران ارزش و عزیزالوجود در پرده نسیان و اختفاماند. و نیک افتاد که آقای حسین خدیوچم ترجمان گرانقدر دانشور که خود از اهل اصطلاحات واز آگاهان بدوزبان تازی وپارسی رنج تصحیح و طبع آنرا بر خود هموار کردند. و یا آنکه از متن فارسی نسخه‌ی پیش‌موجود نبوده است بمقابله و مقایسه متن اصلی عربی کار تصحیح را بیدقت تمام و صحت تمام بانجام رسانیده‌اند. مقدمه کتاب در متن فارسی نبوده است و مصحح محترم از روی متن عربی آنرا ترجمه کرده‌اند، که ترجمه‌ایست روان و خوب و تقریباً همسان و هم‌رنگ با بقیه متن.

و تعلیقه‌هایی با آخر کتاب در افزوده‌اند که سودمند است. و نیز دریایان کتاب فهرستی آمده است از مجموعه لغات و اصطلاحات که مفید است. و مفیدتر می‌بود اگر جامعتر و دقیق‌تر بود، زیرا که پارسی لغات و اصطلاحات ضبط نشده است، و نیز در ضبط پارسی لغات دقت کافی نشده است. و هم‌نفعش عام‌تر می‌بود اگر معادل اصطلاحات و معانی لغات نوشته می‌شد.

تصحیح متن با توجه باینکه پیش ازین نسخه از متن فارسی موجود نبوده است، خوب انجام شده است. و در مواضع مشکوک و مبهم مصحح از متن عربی یاری‌جسته است؛ و کم‌وکاستی‌ها و بی‌بسیاری‌ها و تصحیح و تنقیح‌ها بکمال نسخه عربی بوده است و فراست مصحح. در یک دو موضع هم سهوهای افتاده است از آن جمله:

ص ۱۳ س ۵: «ومی‌گویند ایشان امثال مانند وایشا و پارسا به‌قوت» کلمه «ایشا» مسلماً غلط است و باید «انباز» باشد که ترجمه واژه «مشاکون» است در متن عربی (انهم مشاکون لنافی نفوسهم بالقوه). رسم الخط کتاب رسم الخط جدید است ولی در برخی جایها کلمه‌ها بهمین صورت که در متن اصلی بوده است بجا مانده است و در برخی مواضع اشتباهاتی شده است: کلمات مخطوم بآلف را که بی‌اصدوری می‌پیوندند امروز ما بادویاء می‌نویسیم: یاء و قایه و یاء مصدری: «دانایی، شنوایی». ولی در رسم خط قدیم گاهی این‌گونه کلمات را با یک یاء می‌نوشته‌اند: «دانای، شنوای». در نسخه اساس تصحیح نیز این رسم الخط رعایت شده بوده است و مصحح محترم این‌گونه کلمات را همچنان هشته‌اند و بر رسم خط معمول کتاب‌نوشته‌اند مانند «پذیرایی» (ص ۴۸) و «درزایی» (ص ۸۲) که باید «پذیرایی» و «درزایی» باشد.

نکته دیگر که آن هم مربوط است بر رسم خط درباره «به» است. گذشته از غوغای اتصال و انفصال، اگر بپذیریم که «به» اسم را گسته بنویسیم این قاعده کلیت ندارد، و چنان نیست که همه‌جا «به» را جدا از اسم آوریم، از آن جمله مواضع که حتماً باید متصل نوشت جاهایی است که «ب» با اسم ترکیب می‌شود. و متأسفانه مصحح محترم این نکته را رعایت نکرده‌اند و در کل

صندل فیگارو



برای آقایان و جوانان و بچه‌ها
قیمت ۱۶۰-۱۸۰-۲۰۰
۲۲۰-۲۵۰-۲۷۰ ریال
در تمام فروشگاههای کفش پی

کفش پی

در خدمت ملت ایران

